



با رفعت مقدسی، آموزگار دبستان تمدن برتر

از شاگردانم یاد می‌گیرم



محمد حسین دیزجی

جدی و در عین حال شوخ طبع و مهربان است. تا دلتان بخواهد حوصله دارد و اهل خلاقیت است. از دورریختنی‌ها چنان دست‌سازه‌هایی درست می‌کند و در آموزش درس‌ها به کار می‌برد که شاگردانش همیشه مشتاق ابتکاری تازه هستند. تدریس در پایه‌های اول تا چهارم را در کنار همکاران با سابقه تجربه کرده است و اینک بچه‌های پایه‌ی اول افتخار حضور در کلاس او را دارند. وقتی شروع به قصه‌گویی می‌کند، شاگردانش می‌دانند که خانم درس تازه‌ای را آغاز خواهد کرد. گاهی پشت نیمکت بچه‌ها می‌نشیند و به آن‌ها فرصت می‌دهد به جای او تدریس کنند و با این کار آموخته‌های خود را در

ذهن ماندگار سازند و اعتماد به نفسشان افزایش یابد. در ناحیه‌ی یک تبریز به دیدار رفعت مقدسی، آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی، رفتیم. با هم این گفت‌وگو را می‌خوانیم.

■ آموزگار پایه‌ی اول نخستین کسی است که دانش‌آموز در بدو ورود به مجموعه‌ی آموزشی با او روبه‌رو می‌شود. به نظر شما، آموزگار پایه‌ی اول باید از چه قابلیت‌هایی برخوردار باشد تا بتواند در آموزش موفق شود و زمینه‌ی علاقه‌مندی به تحصیل را در وجود دانش‌آموز نهادینه کند؟

به نظرم این آموزگار باید دریای صبر باشد، چون در این پایه دانش‌آموزان با خواندن و نوشتن بیگانه‌اند و این معلم است که با صبوری

خود همه چیز را برای اولین بار یاد می‌دهد. مهربانی و خوش‌رویی نیز از دیگر صفات آموزگار، به‌خصوص در پایه‌ی اول، است.

■ شنیده‌ایم استفاده از دست‌سازه‌ها در آموزش‌های شما جایگاه ویژه‌ای دارد. چرا به دست‌سازه‌ها اهمیت می‌دهید و چگونه از آن‌ها استفاده می‌کنید؟

با توجه به اینکه ۷۰ درصد یادگیری از طریق دیدن صورت می‌گیرد، سعی می‌کنم با دست‌سازه‌های خود این امکان را برای دانش‌آموزانم فراهم و مطالب درسی را برای آن‌ها ملموس کنم.

■ دست‌سازه‌ها را معمولاً از چه موادی تهیه می‌کنید؟ آیا دور ریختنی‌ها، مثل بطری نوشابه، جعبه‌ی شیرینی و امثال آن قابلیت این کار را دارند یا خیر؟ و آیا دست‌سازه‌ها فقط در درس ریاضی کاربرد دارند یا در سایر درس‌ها هم از آن‌ها استفاده می‌کنید؟ دست‌سازه‌های من بیشتر از مواد دورریختنی هستند تا امکان درست‌کردنشان برای همه راحت و ممکن باشد. من برای بیشتر مطالب

خجالتی و کم‌روست. من آنقدر این دانش‌آموزان را پای تخته می‌آورم تا این کار برای آن‌ها عادی شود. بعضی از بچه‌ها اول کار اصلاً نمی‌آیند و مقاومت می‌کنند، ولی بعد از دو سه بار خودشان مشتاق می‌شوند. مثلاً پای تخته می‌آیند، شعر می‌خوانند، داستان تعریف می‌کنند و در فعالیت‌های دیگر مشارکت دارند.

هر چهارشنبه به دانش‌آموزانم کتاب داستان می‌دهم. هر شنبه دو نفر پای تخته می‌آیند و داستانی را که خوانده بودند برای دوستانشان تعریف می‌کنند. همچنین، گاهی دانش‌آموزان را تشویق می‌کنم پای تخته بیایند و هر آنچه را آموخته‌اند در قالب تدریس تعریف کنند. این طوری هم اعتمادبه‌نفسشان بیشتر و هم با آموزش آن‌ها دیگران، یادگیری‌شان ماندگارتر می‌شود. در عین حال، بقیه‌ی بچه‌های کلاس هم درس را از زبان دوستانشان مرور می‌کنند.

می‌کنم. چون بچه‌ها در پایه‌ی اول تا عدد ۱۰۰ می‌خوانند، بیشترین امتیاز هم عدد ۱۰۰ است.

■ شنیده‌ایم شما در تدریس و آموزش خود، در عین حال که جدی هستید، شوخی و خنده هم دارید. در تدریس شما جدی بودن و در عین حال استفاده از شوخی به چه معناست؟

به نظر من در پایه‌ی اول اگر فقط جدیت باشد، بچه‌ها دلسرد می‌شوند. من کلاً شوخ‌طبع هستم و هر جا باشم، خنده هم آنجا هست. ولی بارها از زبان همکاران و اولیا شنیده‌ام که از من حساب می‌برند. با دانش‌آموزانم هم این جوروری هستم. در عین اینکه با آن‌ها شوخی می‌کنم، اگر با گوشه‌ی چشم هم به آن‌ها نگاه کنم، حساب کار دستشان می‌آید. در حالت کلی طوری برخورد می‌کنم که نه دلسرد شوند و نه سوءاستفاده کنند.

■ وقتی روی صندلی دانش‌آموزان می‌نشینید و بچه‌ها به‌عنوان آموزگار در جایگاه شما قرار می‌گیرند و تدریس می‌کنند، آن‌ها در تدریس چه نقشی دارند و این نوع آموزش دادن چه تأثیری بر یادگیری‌شان دارد؟

درواقع با این کار می‌خواهم بچه‌ها را در موقعیت قرار بدهم تا درک کنند چه کارهایی نظم کلاس را به هم می‌زند و معلم را ناراحت می‌کند. مثلاً یاد بگیرند موقع جواب دادن به سؤالات، همه با هم داد نزنند و یکی یکی جواب بدهند و از گفته‌های دوستانشان مطلب را یاد بگیرند. درواقع، به این ترتیب دانش‌آموزان به‌صورت عملی در موقعیت قرار می‌گیرند و نکته‌های اخلاقی، تربیتی و آموزشی را درک و لمس می‌کنند.

یکی از دلایلی که من این روش را در کلاس اجرا می‌کنم، برای کمک به دانش‌آموزان

درسی دست‌سازه دارم. مثلاً در درس علوم برای خاصیت آهن‌ربایی و انواع خاک و چرخه‌ی آب و سنگ‌ها و ... دست‌سازه دارم. بعد از اینکه دست‌سازه‌ها در اختیار دانش‌آموزان قرار داده می‌شود، به آن‌ها تکلیف می‌دهم. بعد از انجام تکلیف، از آن‌ها می‌خواهم موضوع را برای دوستان خود توضیح دهند. این فرایند یادگیری را تثبیت می‌کند.

■ شما از داستان و داستان‌گویی در آموزش خود بهره می‌برید. برای تدریس چه مطالبی از داستان استفاده می‌کنید و این داستان‌ها ساخته‌ی خود شما هستند یا آن‌ها را از جای دیگری اقتباس می‌کنید؟

من برای بیشتر مطالب درسی از داستان استفاده می‌کنم. بیشتر داستان‌ها خلاقانه و ساخته‌ی خودم هستند، ولی بعضی مواقع برای تدریس نشانه‌های فارسی از کانال پایه‌ی اول هم استفاده می‌کنم.

تدریس با داستان جذابیت بیشتری برای بچه‌ها دارد. آن‌ها با علاقه‌ی بیشتری گوش می‌دهند و چون با دقت و علاقه گوش می‌کنند بهتر یاد می‌گیرند.

■ استفاده از مسابقه در نوع آموزش شما چه جایگاهی دارد و چگونه از مسابقه بهره می‌برید؟

مسابقه برای ایجاد انگیزه و رقابت دوستانه خیلی مؤثر است. مثلاً موقعی که در کلاس هستیم، برای بچه‌ها فیلم آموزشی نمایش می‌دهم و می‌گویم بعد از تماشای فیلم یک سؤال می‌پرسم. هر کس جواب داد برنده‌ی مسابقه است. این کار باعث می‌شود بچه‌ها با دقت بیشتری نگاه کنند.

موقعی هم که تکلیفی می‌دهم تا بنویسند، یک چک امتیاز روی میزم قرار می‌دهم و می‌گویم هر کس زودتر تکلیف را انجام دهد و برنده شود، این چک که جایگزین کارت آفرین است به او داده می‌شود. بنابراین، بچه‌ها با شور و صف‌ناپذیری می‌نویسند تا زود و دقیق کار را تمام کنند و برنده شوند. درواقع این چک‌ها برگه‌های امتیازی شبیه دسته‌چک هستند که برای تشویق به دانش‌آموزان می‌دهیم. روی یک برگه مثل چک بانکی اسم دانش‌آموز را می‌نویسم و به جای رقم هم امتیاز را قید

عکاس: مهرداد واحد